

شرح دروس معرفت نفس

جلد اول

(دروس اول و دوم)

www.ketab.ir

داود صدیقی آملی

صمدی آملی، داود، ۱۳۴۲ - شارح
شرح دروس معرفت نفس (جلد اول) / داود صمدی آملی . - قم: روح
و ریحان - ۱۳۹۲

کتابنامه به صورت زیرنویس

ISBN: 978-600-92453-6-9

شابک دوره:

ISBN: 978-600-92453-7-6

شابک جلد اول:

این کتاب شرح دروس اول و دوم کتاب دروس معرفت نفس است.
۱. حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۰۷ - دروس معرفت نفس - نقد و تفسیر

۲. فلسفه اسلامی ۳. نفس الف. عنوان

۱۸۹/۱

د ۵۲۶ ح ۵۵



شرح دروس معرفت نفس (جلد اول)

مؤلف: داود صمدی آملی
ناشر: روح و ریحان
قلم: وزیر
تاریخ چاپ: ۱۳۹۳
نوبت چاپ: اول
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۴۵۳-۷-۶

مرکز پخش: ۰۹۱۹۶۹۱۲۲۴۸

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۰	حضور دائم در کلاس
۱۴	اهل همت
۲۰	براعت استهلال
۲۱	آغاز کتاب با اسم شریف «هو»
۲۶	بحثی از علم حروف و اعداد
۲۸	حیرت و حیلان
۲۹	فرق حیرت انسان با مائمه
۳۰	معنای «أعلمکم بنفسی اعلمکم ب...»
۳۲	ربّ مقید و ربّ مطلق
۳۳	جایگاه معرفت نفس
۳۶	شرح کتبی و تکوینی برای انسان
۳۷	معرفت نفس محور علوم عقلیه و نقلیه
۴۰	بابا! خود را باش!
۴۵	معرفت نفس صراط مستقیم است
۵۱	جدول وجودی انسان
۵۳	انسان جامع ترین دفتر غیب و شهود
۵۶	تطهیر جدول انسان
۵۷	آب حیات انسان
۵۸	واقعه‌ی تشرف به محضر امام هشتم علیه السلام
۶۰	نفس ناطقه لوح محفوظ حق است
۷۲	عقل و دل
۷۳	معرفت نفس مفتاح خزائن ملکوت است
۷۸	اصول و آمهاتی در باب معرفت نفس
۸۲	مقدمه
۸۴	قرائت را مراتب است

۸۵	ربّ خاتم صلی الله علیه و آله
۸۸	مقام بعثت
۹۱	کامل مکمل کیست؟
۹۱	تعلیم «الکتاب»
۹۳	مراد از «الحکمة» چیست
۹۴	معلم متعلم می خواهد
۹۵	تعلیم نفس انسانی بدون واسطه
۱۰۴	اشراقیون و سکوت
۱۰۷	بیان انفسی انهار أریعه
۱۰۹	پیرامون بسم الله الرحمن الرحیم
۱۱۸	ادبستان
۱۱۹	مسئولیت معلمان گرامی
۱۲۰	علم از عالم معجزات می آید
۱۲۹	درس اول
۱۳۲	ادراک وجود، ابتدایی ترین ادراک انسان
۱۳۴	علم حصولی و علم حضوری
۱۳۷	سه رکن اساسی در هر رشته ی علمی
۱۳۸	وحدت وجود و انحاء آن
۱۴۱	قول اول (نظریه ی وحدت مطلقه)
۱۴۲	اشکال اول بر نظریه ی اول
۱۴۳	اشکال دوم بر نظریه ی اول
۱۴۴	توجیهی بر قول وحدت مطلقه
۱۴۷	امکان فلسفی، برخاسته از محدود بودن اشیاست
۱۴۸	قول دوم (نظریه ی وحدت سنجیه)
۱۵۰	قول سوم (نظریه ی وحدت جمعیه)
۱۵۷	مقصود از آفرینش
۱۵۹	بیانی از جناب حاجی سبزواری
۱۶۰	قول چهارم در وحدت وجود
۱۸۰	عرفان عملی، ثمره ی شجره ی عرفان نظری
۱۸۲	جمع بندی
۱۸۴	اثبات واجب تعالی بر ممشای فلسفه ی مشاء و حکمت متعالیه

۱۸۷	دریای وجود و امواج آن
۱۹۴	سلسله‌ی طولی علوم
۱۹۷	مراد از شهود
۲۰۲	فنا و بقا در موجودات
۲۰۴	وجود مساوق با حق است
۲۰۴	موضوع فلسفه و عرفان
۲۰۵	اضافه‌ی اشراقی و امکان فقری
۲۰۶	غالباً علم به مقدار عالم است نه معلوم
۲۰۷	مقصد فلسفه و عرفان
۲۰۷	نعمت سکوت
۲۰۹	وجود صمد است
۲۱۷	خلاصه‌ی مطالب
۲۱۹	اطوار وجود
۲۲۱	نکته‌ای در دعا
۲۲۲	حق در خلق حلول نمی‌کند
۲۲۳	در وجود زاییدن و زاده شدن راه ندارد
۲۲۴	وجود، کفو و همتایی ندارد
۲۲۵	تمایز احکام حق و خلق
۲۳۱	جرعه‌ای از دریای نماز
۲۳۴	اصل الواقیة
۲۴۰	محدوده‌ی عقل
۲۴۱	توحید صمدی قرآنی
۲۴۶	عدم و جایگاه آن در فلسفه
۲۵۳	فحوصی در پیرامون شهودات
۲۵۴	کمال اولی و کمال ثانوی
۲۵۵	طریقه‌ی یافتن اشرف موجودات
۲۶۰	جمادات
۲۶۶	فرمایش جناب صدر المتألهین
۲۷۱	تبیین تسبیح موجودات از راه مُثُل
۲۸۰	جسمیت اشیا و لوازم آن
۲۹۱	توصیه‌ای به عزیزان درسی

۳۰۵	خلع و لبس یا لبس فوق لبس
۳۱۱	طفره و تجافی
۳۱۶	حرکت جوهری و تجدد امثال
۳۱۹	پرسش و پاسخ
۳۲۸	سخن دیگر پیرامون الفاظ و معانی
۳۳۰	ارزش مباحثه
۳۳۱	درس دوم
۳۳۵	ابتکار حضرت آقا در تدوین دروس
۳۳۸	فرق بین وجود و موجود
۳۳۹	لطیفه‌ی ذکر «بل» ترقی
۳۴۱	تصور و صدیق
۳۴۴	آغاز به ابتدای تریب ادراک
۳۴۹	من کیستم؟
۳۵۳	حقیقت موت
۳۵۸	اسامی گوناگون نفس
۳۶۰	مقام غیبی بی اسم و رسمی اشیا
۳۶۴	معنای بت پرستی و شرک
۳۶۹	از بهترین راه‌های انکشاف درون
۳۷۱	موازن اعمال
۳۷۲	بالاترین مرتبه‌ی علم و دانش

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين

۱ شاکریم خداوندی را که به ما توفیق تشرف به محضر مشتاقان کمال و حقیقت، عطا فرموده است؛ همان‌ها که به اقتضای عقل انسانی و طبع عرشی خود، در محفل انسی جمع گردیده و حلقه‌ی علم و معرفت را جایگزین امور متعارف خود کرده‌اند. به یقین، این تجمع انسانی، عید مبارک و تمامی دوستان است که به تعبیر حضرت مولی الموالی، علی وصی علیه السلام در «نهج»: «

۲ «کُلُّ یوم لا یعصی الله فیه فهو عید»^۱

۳ آری، عید حقیقی هر روزی را گویند که سالک در پیل کمالات انسانی همواره در حرکت باشد.

۴ همه‌ی ما به امید آنیم که این درس و بحث‌ها به منزله‌ی تورشکاری برای ما بوده باشد و ما را به سمت کمالات معنوی سوق دهد، تا بدین واسطه بال و پری پیدا کنیم، مرغ لاهوتی گردیم و از این عالم در برویم که:

۵ «موتوا قبل أن تموتوا»^۲

۶ و نیز نفس ناطقه‌ی ما از این طریق پرنده‌ی قدسی گردد و به آشیانه‌ی حقیقی خود واصل شود و در آن‌جا سکنی گزیند؛ چرا که این‌جا یک مجلس علمی صرف، برای

۱. سید رضی (ابوالحسن محمد بن حسین بن موسی موسوی)، نهج‌البلاغه، کلمات قصار ۴۲۸.

و هر روز که خدا را در آن نافرمانی نکنند روز عید است.

۲. فیض کاشانی (محمد محسن)، وافی، ج ۴، ص ۴۱۱، نشر کتاب‌خانه‌ی امام امیرالمؤمنین علیه السلام.

به اختیار خود بمیرید پیش از آن که به موت طبیعی بمیرانددان.

من و عزیزانم نیست بلکه آن را به منزله‌ی محفل حشر و انس با خود قرار داده‌ایم و خواهانیم زین پس در پی حقیقت خود باشیم که:

به هوس راست نیاید به تمنی نشود

کاندرین راه بسیی خونِ جگر باید خورد

آن پیر فرزانه در «الهی‌نامه»ی خود می‌فرماید:

«الهی، تا کعبه‌ی وصلت فرسنگ‌هاست و در راه خرسنگ‌ها، و این لنگ به

مراتب کم‌تر از خرچنگ است. خرچنگ را گفتند: به کجا می‌روی؟ گفت: به

چین و ماچین گفتند: با این راه و روش تو؟»

در مجلس ما، برای حضور افراد مختلف و طیف گوناگون آن‌ها، قید و شرطی قرار داده نشده است. هر بزرگواری که بخواهد، می‌تواند در این مجلس شرکت کند و از فیوضات جمع دوست‌ها بهره‌مند گردد. در این جمع انسانی، دارا و ندار، غنی و فقیر، پیر و جوان، زن و مرد، طلبه و دانشجو و باسواد و بی‌سواد به یک ارزش‌اند. آنچه مهم است، حضور همواره‌ی عزیزان است! یرا علم، پرنده‌ی فرار و دیرانسی است که بدون محبس حشر نمی‌گیرد:

«العلم وحشی من ترکه یمشی.»

امام مجتبی علیه السلام نیز می‌فرماید:

«قَدْو العلم بالكتابة»^۱

علم را با نوشتن در بند کنید. به همین وزن، نفس نیز وحشی است اما برخلاف علم به اندک چیزی که به آن روی آورده، خو می‌کند و از آن طرف، همانند علم بسیار فرار است که فرموده‌اند: آن را نیز باید دائماً در حبس داشته باشید تا وحشی‌گری نکند. حال چرا علم، این‌گونه بیان شده است؟! باید آهسته آهسته به اسرار آن راه یابیم.

حضور دائم در کلاس

حضور دائم است که انسان را نیل به حقیقت می‌دهد، زیرا نوار کاست و فیلم و

۱. مجلسی (محمد باقر)، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۵۱، نشر احیاء التراث.

ویدئو، گرچه می‌توانند تا اندازه‌ای در فرد و حالات معنوی او مؤثر باشند، اما نمی‌توانند به معنای اتم، انسان‌سازی کنند؛ چون ضبط و تلویزیون جمادند و فاقد حیات‌اند و آن که فاقد حیات است، نمی‌تواند معطی حیات شود و لذا در حین گوش دادن نوار، پایش را هم دراز می‌کند و یا این‌که با دیگری حرف می‌زند و یا هر وقت خواست، نوار را خاموش می‌کند و... تمام این‌ها ناشی از عدم حضور است. وگرنه حضور، حدودی دارد که حاضر باید آن‌ها را رعایت نماید و اتفاقاً تمام برکات نیز زیر سر همین حضور است. حضرت استاد عظیم‌النَّشَان ما نیز بارها در درس‌های‌شان می‌فرمودند:

۱۵

«درس، بی حضور نمی‌شود!»

۱۶

و لذا ما نیز بارها به عرض رساندیم که: مبدا در ایام محرم و شب‌های ماه مبارک رمضان، نشستن پای تلویزیون و دیدن برنامه‌های آن را، جایگزین شرکت در مجالس درس و بحث و سخنرانی‌ها و مدیحه‌سرایی‌ها نمایید و به همان‌ها اکتفا کنید! زیرا تأثیر حضور در این‌گونه مجالس، تلویزیون که سخنران آن به خوبی سخنران‌های ضبط و تلویزیون نباشد، به مراتب بیش از تأثیر نشستن پای رادیو و تلویزیون است، زیرا هر چه باشد، آن زنده است و این مرده و اگر قرار بر حیات دادن و احیا کردن است، پس زنده می‌تواند زنده کند؛ نه مرده، که اگر او می‌توانست، خردش را زنده می‌کرد!

۱۷

از طرفی هم عرض کردیم که برکت درس به دوام آن است، نفس، آن چنان خوپذیر است که شخص می‌بیند پس از یک ماه که، هر شب در حال نماز شب خواندن بوده، همین که یک شب - به علتی - نماز شب از او فوت شد، شب بعد، نفس، پی همان یک شب را گرفته و سعی دارد، خود را همرنگ آن کند؛ معلوم می‌شود که نفس، از حال قبلی خود فرار کرده است.

۱۸

تمام ماه مبارک رمضان را روزه می‌گیرد، اما همین که عید فطر می‌شود و افطار می‌کند و قصد می‌نماید که روز بعد را هم روزه بگیرد، می‌بیند که نفس به میدان آمده، بازیگری می‌کند؛ و به سختی می‌تواند یک روز بعد از عید فطر را به استحباب روزه بگیرد. و لذا شاید فردی در غیر ایام ماه مبارک، روزه‌ی مستمر بگیرد، اما نتواند به اندازه‌ی فردی که هفته‌ای یک‌بار روزه می‌گیرد، جلوی نفس خود را بگیرد و در برابر خواسته‌های آن بایستد. اتفاقاً همانی که هفته‌ای یک‌بار روزه می‌گیرد، سختی بیش‌تری را متحمل

۱۹

می‌شود و اراده‌ی بیش‌تری می‌کند تا در برابر نفس و خواسته‌های آن ایستادگی کند، زیرا همین که نفس او می‌خواهد به خوردن و آشامیدن خو کند، سریع روزه می‌گیرد و از خواهش او سرباز می‌زند و لذا شخص بسیار در سختی می‌افتد. بنابراین، در شریعت مطهره‌ی ما فرمودند: روزه گرفتن در سه روز از هر ماه، مستحب است؛ روز اول و روز وسط و روز آخر هر ماه. غرض این‌که، اگر درس مستمر نباشد، نتیجه‌ی حاصل از آن بسیار دیر به دست خواهد آمد.

۲۰ جناب خواجه‌ی طوسی می‌فرمودند: اگر هیزمی را در آتش کنید و بعد از مدتی که هنوز هیزم افروخته و شعله ور نشده، آن را از آتش بیرون کنید، و پس از سرد شدن، دوباره آن را در آتش کنید و پس از مدتی بار دیگر آن را از آتش خارج کنید و چند دفعه این کار را تکرار کنید هر چه هم بگذرد آخر نخواهید توانست هیزم را آتشین کنید یا از آن زغال یا انگشتی درست نموده و به واسطه‌ی آن فضایی را روشن سازید. اما اگر همین هیزم را آن قدر در آتش نگه دارید که حرارت، در متن آن نفوذ کند و آن را زغال گرداند، می‌بینید، بعد از خارج کردن آن از آتش، گرچه به ظاهر زغال سیاه و انگشتی بیش نیست، اما همین، اگر در مجررت بادی قرار گیرد، شعله ور می‌شود و از متن خود، آتش بیرون می‌دهد و آن قدر می‌سوزد تا خاکستر شود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ﴾.

۲۱ این مسیر، ویژگی دیگری نیز دارد و آن، این‌که: سالک، تا آنجا سفر کرد، از عالم و آدم برای او موانع و مزاحم می‌آیند:

هر که در این درگاه مقرب تر است

جام بلا بیش ترش می‌دهند

۲۲ اشتیاق فراوانی برای شرکت در مراسمی دارد، اما همین که خود را آماده‌ی رفتن می‌کند، مشکلی برایش پیش می‌آید و از رفتن باز می‌ماند. این حوادث و موانع، محکی است از جانب نظام عالم بر سالک طریقت. تا سالک، چه قدر از این امتحان موفق بیرون آید؟ لباس را پوشیده و خود را برای رفتن به کلاس آماده کرده است، اما ناگهان می‌بیند، در منزل به صدا در آمده و عده‌ای از دوستان و خویشان او در همین موقع به مهمانی

او آمده‌اند. آری سالک باید آزموده شود، اگر امروز این مانع را برطرف نکرد و به خاطر مهمانان، کلاس نرفت، مطمئناً فردا و پس فردا موانع دیگری برایش پیش می‌آید؛ می‌بیند همسر و فرزندانش مریض شده‌اند؛ خودش دچار مشکلات مالی شده و یا در هنگام رفتن، احساس خستگی و کسلی به او روی آورده است و ده‌ها مشکل دیگر برای او رخ داده است.

چه اشکالی دارد وقتی هنگام رفتن به درس، عزیزی به دیدن شما آمد، به او بگویید: «هر دوستی خیر دوستش را می‌خواهد و من می‌دانم که تو دوست و خیرخواه من هستی. الآن که تو آمدی، مشغول آماده شدن برای رفتن به کلاس بودم که اتفاقاً برای آن اهمیت بسیاری قائل هستم، اگر صلاح می‌دانی و دلت می‌خواهد، از تو هم می‌خواهم که همراه من بیایی، اما اگر به دلائلی نمی‌خواهی با من بیایی، از شما دوست محترم تقاضا می‌کنم ساعی در خانه‌ی من با این چند کتابی که در اختیار تان می‌گذارم، بمانید تا من به کلاس بروم و زود بر گردم؛ میوه هم برای تان می‌گذارم! تلویزیون هم که هست! تا مقداری میوه بخورید و تلویزیون تماشا کنید و چند صفحه‌ای کتاب بخوانید، من برمی‌گردم».

عزیزان من! این نکته را به تجربه خدمت‌تان عرض می‌کنم که محال است عالم مزاحم سالک حقیقی بشود! اگرچه در ابتدای راه برنامه‌ی تکوینی نظام عالم این است که سالک را با اسباب مختلف مورد آزمایش و امتحان قرار دهد. یک روز با باران، یک روز با سرما، یک روز با سرمایۀ، یک روز با زن، یک روز با فرزندان، یک روز با خواب، یک روز با ماشین و... اگر سالک، تک‌تک این موانع را پشت سر گذاشت و به حقیقت تصمیم گرفت، در صورت بروز هر مشکلی - هر چه که باشد - این درس و بحث را، حتی برای یک روز هم تعطیل نکند، از آن به بعد خودِ عالم مُجْزِی نیست که مزاحمتی برای چنین فردی ایجاد کند. فرد ناگهان می‌بیند، همسرش که تا دیروز، مخالف رفتن او به این کلاس‌ها بود، امروز نه تنها مخالفتی ندارد، بلکه خود او نیز تصمیم گرفته با همسرش به این کلاس‌ها بیاید و همین‌طور موانع دیگر، یکی یکی برداشته می‌شود؛ این را به «ولایت تکوینی» نظام عالم تعبیر می‌کنند. که در آینده به تفصیل راجع به آن بحث خواهیم کرد.

۲۵ قابل ذکر است که عزیزان، خواهران شوهردار، از شوهران اجازه داشتند یعنی ایشان مخالفتی نداشته باشند که اگر واقعاً راضی نباشند بنابر شرع انور بدون اجازه حق آمدن به چنین کلاس‌هایی را ندارند و خواهرانی که شوهر ندارند هم با اجازه‌ی پدران خود تشریف بیاورند یعنی از ناحیه‌ی ایشان مخالفتی وجود نداشته باشد و اگر مخالفتی هست از مجتهد خود استفتا کنند که آیا اجازه‌ی پدر را برای یادگیری عقائد شرط می‌داند یا نه هر چه جواب دادند عمل نمایند.

اهل همت

۲۶ اما در این بیر، عده‌ای آن‌چنان اهل همت‌اند که اگر هزاران مشکل برای‌شان پیش آید، ذره‌ای منحرف یا متوقف نمی‌شوند:

مرا تا جان بود در تن بکوشم
مگر ز کام او یک جرعه نوشم

۲۷ خداوند متعال بر اساس علم بی‌سابقه، این افراد را می‌شناسد و چه عجب که خداوند، عالم را مأمور می‌کند تا می‌تواند برای این شخص مشکل پدید آورد تا این شخص، در برابر همه‌ی این‌ها ایستادگی کند که از این طریق چنین فردی را اسطوره و سرمشق دیگران قرار دهد. و لذا در طول تاریخ، همیشه مشکلات و گرفتاری‌های انبیا و ائمه، بیش از مشکلات دیگر افراد جامعه بوده است. این یک قانون الهی است که همیشه انسان برجسته‌ی یک عصر، چشنده‌ی جامع مشکلات آن عصر نیز هست و آن که در تمامی اعصار کامل‌ترین فرد است، مبتلاترین ایشان به مشکلات تمامی اعصار است. و لذا فرموده‌اند: جاهلیت عصر جناب پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله جامع‌ترین و کامل‌ترین آن در تمامی اعصار بود و جهولی به قوت جاهلان عصر نبی در هیچ دوره‌ای نمی‌توان یافت، همین‌طور سختی‌های زندگی اولیای الهی و عارفان حقیقی همیشه بیش از عوام و مردم متعارف است. و لذا عالم برای این که تشنه‌ی واقعی را بیابد، هر دم در پی آزمایش بندگان خداست و آن‌گاه که یافت، او را بی‌آب رها نمی‌کند تا سیرابش کند.

۲۸ بعضی از پیران و اساتید فن، شاگردان‌شان را تا ده‌ها سال امتحان می‌کردند تا ببینند، آیا این فرد حقیقتاً تشنه‌ی علوم و معارف است و یا این که دعوی‌اش بر تشنگی، یک

ادعای خیالی و گراف است.

باید اهل همت بود! استباد عظیم الشان ما می فرمود:

«آن زمان که در تهران بودم، به دلیل مشکلاتی ماه‌ها در انباری کوچکی از پشت بام خانه‌ای، با زن و فرزندانم به اجاره نشسته بودم اما در آن مدت حتی یک ساعت از درس هیتم را تعطیل نکردم...»

در جای دیگر می فرمودند:

«سیزده سال، هر روز بعد از نماز صبح (بین الطلوعین) برای درس خدمت علامه‌ی شعرانی می‌رسیدم، بعد از طلوع آفتاب هم کلاس دوم شروع می‌شد، عده‌ای می‌رفتند و عده‌ای دیگر می‌آمدند، اما من می‌نشستم و تا اذان ظهر، حدود هفت ساعت خدمت‌شان بودم و کسب معارف می‌کردم، اما باز دلم آرام نمی‌گرفت و به همراه ایشان به مسجد می‌رفتم و نماز می‌خواندم و دوباره تا دم‌خانه با ایشان می‌آمدم تا شاید بتوانم در راه هم کُذ و رمزی از ایشان بگیرم. بعد می‌فرمودند: برای این که ما را از صبح تا ظهر، نیازی به رفع حاجت پیدا کنم و مبدا ناچار شوم - مثلاً - به قایم بگویم: «دست‌شویی منزل شما کجاست؟» در این سیزده سال نه شب شام خوردیم و نه صبح صبحانه!»

در راه تحصیل باید از همه چیز گذشت. بارها به دوستان درس و بحثی عرض کردیم که در ساعت تحصیل، از هر مانعی باید گذر کرد؛ حتی اگر جبرئیل خدا بر تو نازل شد، بگو: الآن وقت ندارم! این ساعت، ساعت تحصیل من است! به خداوندی خدا اگر عالم تو را این‌گونه تشنه‌ی علوم و معارف دید، از آن پس دیگر در مسیر علم تو، عالم مانع تو نمی‌شود و به هیچ موجودی اجازه‌ی ایجاد مزاحمت نمی‌دهد! خواب را دور می‌کند و می‌گوید: تشنه‌ی ما را اذیت نکن! مرض را دفع می‌کند و می‌گوید: مزاحم سالک ما نشو! طوری به ذهن مهمان می‌اندازد که در غیر ساعت درسی به خدمت محصل برسد و یا این که برای مهمان مشکلی ایجاد می‌کند تا نتواند در آن ساعت مزاحمت ایجاد کند و... آن کس که در باطن عالم است، خودش قدرت برنامه‌ریزی دارد و می‌تواند بین مسائل تعادل ایجاد کند.

خداوند رحمت کند مرحوم آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی را! اواخر عمرشان وقتی ایشان را برای تدریس، دم در حرم پیاده می‌کردند، ایشان از دم در حرم تا مکان تدریس

که فاصله‌ی بسیار کمی بود - چهار، پنج دفعه می‌نشستند و استراحت می‌کردند و چند نفس عمیق می‌کشیدند؛ و دوباره برمی‌خاستند و حرکت می‌کردند تا مبادا درس‌شان تعطیل شود.

۳۵ اکنون باید قدر این سفره‌ی علمی را که برای‌مان پهن کرده‌اند، بدانیم و قابلیت خود را افزایش بدهیم تا بتوانیم از فیوضات آن خود را بهره‌مند سازیم. آن چه در ابتدای امر برای من و شما اهمیت فراوانی دارد، عزم و اراده‌ای راسخ و همتی بالا برای طی کردن این مسیر انسانی است.

۳۶ حضرت استاد مولا علامه حسن‌زاده‌ی آملی - روحی‌له‌الفداء - در آن چند سالی که در آمل مشغول تدریس بودند، مباحثی را برای شاگردان‌شان مطرح نمودند: که از جمله‌ی آن‌ها «فصوص الحکم» فارابی است که آن را در طی جلساتی شرح فرمودند و اکنون همان‌ها تحت عنوان کتابی به نام «نصوص الحکم بر فصوص الحکم» چاپ شده است؛ و نیز چهار نمط از نمط‌های «اسرار» جناب بوعلی را هم ترجمه و شرح نمودند؛ و همچنین رساله‌ی «مدارج قرآن و معراج انسان» و رساله‌ی «خیر الأثر در ردّ جبر و قدر» را به رشته‌ی تحریر درآوردند. حدود ۲۵۰ نفر از سخنرانی‌های ایشان در ماه‌های رمضان و محرم و صفر موجود است که گوشه‌ای از سخنان عرشی بیست و پنج سال منبر عمومی ایشان است؛ سخنرانی‌های بسیار سنگینی که خود ایشان می‌فرمودند:

۳۷ «اکنون که آن نوارها را گوش می‌کنم، خود من از آن‌ها «سفاهه» می‌کنم و تعجب می‌کنم که چگونه این حرف‌ها، همین طور از زبانم جاری شده است، در حالی که من در ادای آن‌ها اختیاری نداشتم؟!»

۳۸ در جای دیگر می‌فرمودند:

۳۹ «نوعاً پس از نوشتن کتاب‌ها و گفتن حرف‌ها متوجه می‌شدم که اصلاً من نبودم که می‌نوشتم و می‌گفتم! نویسنده‌ی واقعی دیگری بود و من آلت و وسیله‌ای بیش نبودم؛ در حقیقت من نیز مانند دیگران، شنونده‌ی فرمایشات دیگری بوده‌ام؛ من همانند بیلی در دست کارگری بودم که در کندن، اختیاری از خود نداشتم.»

۴۰ که این بیان عرشی حاکی از مقام قرب فریضه است. فافهم!

- ۴۱ حال، ایشان چه قدر خودشان را تحویل آن طرفی ها داده بودند که از آن طرف، ایشان را به عنوان واسطه‌ی نوشتن و گفتن برگزیده بودند، بسیار جای دقت دارد.
- ۴۲ غرض این که «دروس معرفت نفس» نیز یکی از مباحثی بود که حضرت آقا در آن مدتی که در آمل تشریف داشتند، برای عده‌ای از دوستان طرح نمودند.
- ۴۳ در ابتدا بنا بود که این مباحث به هزار و یک درس تقریر شود و ایشان قصد داشتند در این هزار و یک درس، تمام رشته‌های علمی اعم از علم طب و نجوم و علم هیئت و علم حروف و علم جفر و... را به صورت دانه‌های تسبیح در کنار هم بیاورند، که فقط کافی بود، شخصی بیاید و از ابتدا تا انتهای آن را خوب بخواند، بعد از آن دیگر نیازی به کتاب دیگر نداشته و تمام علوم برایش پیاده می‌شد. اما متأسفانه بعد از مدتی، مشکلاتی پیش آمد که آقا نتوانستند آن را ادامه دهند و وقتی این مباحث تا یکصد و پنجاه و سه درس رسید، منقطع شد! و بعدها ادلمی آن در قالب کتاب‌هایی چون «اتحاد عاقل به معقول»، «عیون مسائل نفس»، «الحجج البالغة علی مجرد النفس الناطقة» و «گنجینه‌ی گوهر روان» به رشته‌ی تحریر درآمد. اکنون به حرل و فره‌ی الهی «شرح کتاب دروس معرفت نفس» ایشان را شروع می‌کنیم.
- ۴۴ حضرت استاد علامه ذوفنون حسن زاده‌ی آملی - رحمه‌له‌الفداء - در مطلع کتاب شریف «دروس معرفت نفس» چنین آورده‌اند:

هو

«رسول الله ﷺ: أعلمکم بنفسه أعلمکم بریه.»^۱

دروس معرفت نفس - معرفت نفس ناطقه‌ی انسانی - قطب قاطبه‌ی معارف ذوقیه، و محور جمیع مسائل علوم عقلیه و نقلیه، و اساس همه‌ی خیرات و سعادات است. و به بیان مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام: معرفه النفس أنفع المعارف.

معرفت نفس همان روان‌شناسی و خودشناسی است که اقرب طرق به ماورای طبیعت، و صراط مستقیم خداشناسی است. انسان بزرگ‌ترین جدول بحر وجود، و جامع‌ترین دفتر غیب و شهود، و کامل‌ترین مظهر واجب الوجود است.

این جدول اگر درست تصفیه و لای‌روبی نماید، حقایق آب حیات و مجلای ذات و صفات می‌گردد. این دفتر شایستگی لوح محفوظ، بدین کلمات نوری و شجون حقائق اسما و شئون رقائق ظلیه‌ی آن‌ها را داراست.

دفتر حق است دل، به حق بنگارش
نیست روا پر نقوش باطله باشد

سیر انفسی، نهایت آن معرفت شهودی است که «لم أعبد رباً لم أره»^۲ و سیر

۱. سید مرتضی علم‌الهدی (علی بن حسین)، غرر و درر، ج ۲، ص ۳۲۹.

داناترین شما به نفس خود داناترین شما به رب خود است.

۲. تمیمی آمدی (عبدالواحد بن محمد)، غررالحکم و درر الکلم، ص ۷۱۲، نشر دارالکتب اسلامیه. معرفت نفس خود سودمندترین معرفت‌هاست.

۳. فیض کاشانی (محمد محسن)، وافی، ج ۱۱، ص ۲۶، نشر کتاب‌خانه‌ی امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
خدایی را که ندیدم نپرستیدم.

آفاقی، غایت آن معرفت فکری که «أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ»^۱ انسان کاری مهم‌تر از خودسازی ندارد، و آن مبتنی بر خودشناسی است.

«دروس معرفت نفس» کتابی است که در این مقصد اعلا و مرصد اسنی، به نظم و نضد خاصی، بالفعل حاوی بیش از یکصد و پنجاه درس است که سالیانی برای عزیزانی طالب کمال تحریر، و در محضر انس و قدس آنان تقریر و تدریس می‌شد و اینک قلم تقدیر رقم زد که: آن پرده نشین شاهد هر جایی شود.

این صد و پنجاه درس در سیر مراحل ابتدایی معرفت نفس است. مرجو از خداوند سبحان این که توفیق ادامه و تکمیل آن را مرحمت بفرماید.

امید است که این دروس نفوس مستعده را معذی برای اعتلای به معارج عالیه معرفت نفس انسانی، و ممذی در راه ارتقای به مدارج سامیه منزلت قرب رحمانی گردد.

قم - حسن حسن زاده‌ی آملی

۱۴۰۳ سنه‌ی ۱۴۰۳ ه.ق.

۱۳۶۱/۱۱/۹ ه.ش.